



Criticism of Gerald Hawting's Methods of Quranic Studies*

Hassan Rezaei Haftader¹

Seyyed Muhammad Mousavi Moqaddam²

Momini Sadat Hosseini³

Muhammad Ali Mahdavidrad⁴

Abstract

Examining the methods of Quranic studies by Orientalists is one of the most recent topics in the field of Quranic studies. Gerald Hawting is a contemporary British orientalist and a continuation of Wensbrough's controversial ideas. In this research, the most important methods of his Quranic studies are briefly discovered, explained and analyzed. The most important method of Hawting's Quranic studies is historical criticism, whose sub-branches are literary criticism, content criticism, and source criticism. Being influenced by post-modernism and the lack of convenient practical results are among the most prominent criticisms of the historical critical method and its sub-branches. Hawting's methods of studying the Quran are influenced by the common intellectual and scientific foundations in the West, especially his teacher Wansbrough and the criticism of the Bible. Since Hawting has considered the Quran as a human text, he has imposed on it methods compatible with the materialistic and specific worldview of human texts.

Keywords: Historical Criticism Method, Literary Criticism Method, Source Criticism, Gerald Hawting, Quranic Studies.

*. **Date of receiving:** 21 January 2022 ; **Date of correction:** 20 February 2022; **Date of approval:** 22 May 2022.

1. Associate Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Farabi Campus, University of Tehran, (Responsible Author). hrezaii@ut.ac.ir.

2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Farabi Campus, University of Tehran. sm.mmoqaddam@ut.ac.ir.

3. Ph.D. Candidate, Department of Quranic and Hadith Sciences, Farabi Campus, University of Tehran. momenesadathosseini@gmail.com

4. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Farabi Campus, University of Tehran. mahdavidrad@ut.ac.ir



نقد روش‌های مطالعات قرآنی جerald هاوتینگ *

حسن رضایی هفتادر^۱ و سید محمد موسوی مقدم^۲ و مؤمنه سادات حسینی^۳ و محمد علی مهدوی راد^۴

چکیده

بررسی روش‌های مطالعات قرآنی مستشرقان، از جدیدترین موضوعات در خورتوجه در حوزه پژوهش‌های قرآنی است. جerald هاوتینگ، خاورپژوه معاصر بریتانیایی و ادامه‌دهنده نظریات جنجال‌برانگیز ونزبرو است که در این تحقیق، مهم‌ترین روش‌های مطالعات قرآنی وی، به‌صورت مختصر کشف، تبیین و تحلیل می‌شود. مهم‌ترین روش مطالعات قرآنی هاوتینگ، نقد تاریخی است که زیرشاخه‌های آن، نقد ادبی، نقد محتوایی و نقد منبع محسوب می‌شوند. تأثیرپذیری از اندیشه پست مدرنیسم و عدم نتیجه عملی اطمینان‌بخش، از برجسته‌ترین نقدهای وارد بر روش نقد تاریخی و زیرشاخه‌های آن است. روش‌های قرآن‌پژوهی هاوتینگ، متأثر از مبانی فکری و علمی رایج در غرب به‌ویژه استادش ونزبرو و نقد کتاب مقدس است. از آنجا که هاوتینگ قرآن را به‌منزله متنی بشری تلقی کرده است، روش‌های سازگار با جهان‌بینی مادی و خاص متون بشری را بر آن تحمیل کرده است.

واژگان کلیدی: روش نقد تاریخی، روش نقد ادبی، نقد منبع، جerald هاوتینگ، مطالعات قرآنی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران [نویسنده مسئول]؛ (hrezaii@ut.ac.ir).

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران؛ (sm.mmoqaddam@ut.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران؛ (momenesadathosseini@gmail.com).

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران؛ (mahdavirad@ut.ac.ir).



۱. مقدمه

روش تحقیق، ابزار و تکنیک‌هایی برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل یا ارائه قاعده‌مند داده‌ها در تحقیقات علمی یا پژوهشی است که تأثیر مستقیم بر نتایج پژوهش دارد. جرالد هاوتینگ (Gerald Richard Hawting) یکی از پژوهش‌گران برجسته در میان خاورپژوهان - در مطالعات قرآنی طی سه دهه اخیر - است. وی دانش‌آموخته دانشگاه لندن و از شاگردان برنارد لوئیس (Bernard Lewis) و جان ونزبرو (John Wansbrough) محسوب می‌شود. هاوتینگ همواره به مطالعه و تألیف در موضوعات اسلامی، به‌ویژه قرآن و تفسیر آن، اهتمام فراوانی داشته است.

درباره روش‌های مطالعات قرآنی هاوتینگ، بحث علمی مفیدی صورت نگرفته است. با تفحصی که صورت گرفت، به دست آمد که مقاله‌ای با عنوان «حج از نگاه مستشرقان»، آرای هاوتینگ را درباره مسئله حج مورد بررسی قرار داده است (علوی، «حج از نگاه مستشرقان»، ۱۳۹۶: ۱۰۵-۱۲۶). همچنین مقاله «نقد آرا جرالد هاوتینگ درباره بت‌پرستی و شرک در قرآن»، (رضایی هفتادر، «نقد آراء جرالد هاوتینگ درباره بت‌پرستی و شرک در قرآن»، ۱۳۹۹: ۱۵۷-۱۸۳)، نیز آرای وی را در مسئله بت و بت‌پرستی مورد بررسی و نقد قرار داده است؛ اما هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام‌شده درباره روش‌های مطالعات قرآنی جرالد هاوتینگ نبوده است. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، به پرسش‌های ذیل پاسخ داده خواهد شد.

۱- روش‌های مطالعات قرآنی جرالد هاوتینگ چیست؟

۲- چه اشکالاتی در روش‌های مطالعات قرآنی جرالد هاوتینگ وجود دارد؟

۲. روش نقد تاریخی

روش نقد تاریخی، یکی از باسابقه‌ترین و گسترده‌ترین روش‌های مورد استفاده در مطالعات متون دینی است که جرالد هاوتینگ از آن در مطالعات قرآنی خود بهره برده است. نقد تاریخی، ریشه در دوران رنسانس یا نوزایی (سده‌های ۱۵ و ۱۶ م.) دارد و پیوسته در حال تغییر و دگرگونی و تکمیل بوده است. این روش در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی رشد کرده و در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی به اوج قدرت‌نمایی و تکامل خود رسیده است (Fitzmyer, «Historical Criticism: It's Role in Biblical Interpretation and Church Life», 1989: 5/247-248). روش نقد تاریخی برآمده از نقد تاریخی عهدین در غرب، یک متن را از پنج حیث بررسی و نقد می‌کند: ۱. نقد بوجودآورنده متن؛ ۲. نقد سند متن؛ ۳. نقد محتوایی متن؛ ۴. نقد شکل متن و ۵. نقد ادبی متن. به بیان دیگر، نقد نخست از مؤلف و زمانه و احوال وی پرسش

می‌کند و نقد دوم از سند متن و صحت نسبت آن می‌پرسد. نقد سوم از محتوای متن که تا چه حدی با توجه به داده‌های علمی و فلسفی، تاریخی و... سنخیت دارد، بحث می‌کند و نقد چهارم از سبک و اسلوب متن می‌پرسد. نقد پنجم از پدیدآورنده که متن را از کجا آورده و از کجا نقل کرده، بحث می‌کند (جلیلی سنزیتی، پژوهش در تفسیر پژوهی قرآن، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۶).

نقطه اشتراک تمام زیرشاخه‌های روش نقد تاریخی، توافقی کلی است بر اینکه، متون باید با توجه به شرایط تاریخی خود و در پرتو سنت‌ها و قراردادهای ادبی و فرهنگی زمان خود، تفسیر شوند (Collins, The Bible after Babel, 2005: 4).

هاوتینگ در مطالعات قرآنی خود، از نقد ادبی، نقد محتوایی متن و نقد به وجودآورنده متن، استفاده کرده است.

یک. نقد ادبی یا سبک‌شناختی

مطالعه و بررسی بافت تاریخی اثر به منظور درک و تبیین خاستگاه مکانی و زمانی آن، یکی از اهداف اصلی روش نقد تاریخی است. جریان نقد تاریخی، اصالت تاریخی آثار اسلامی را مورد تشکیک قرار می‌دهد. جان ونزبرو، پیشگام این جریان در نیمه قرن بیستم میلادی است. وی بیش‌تر روایات و آثار اسلامی مرتبط با جمع قرآن در طول قرن دوم هجری، را ساخته و پرداخته شده مسلمانان می‌داند (سعید، درآمدی به قرآن، ۱۳۹۷: ۷۹-۸۰). پس از او، جerald هاوتینگ نظریه وی را با کمی تعدیل ادامه داد. هاوتینگ بر خلاف ونزبرو که اساساً اسلام را از جلعیات مسلم مسلمانان قرن دوم و سوم هجری می‌داند، اصالت اسلام را به عنوان یک دین مستقل که در یک روند مادی طبیعی متولد شده، پذیرفته است، هرچند ماهیت الهی آن را باور ندارد. هاوتینگ مدعی است اسلام در قرن سوم هجری شکل واقعی خود را به دست آورد و پیش از آن، موحدانی که دچار درگیری‌های گفتمانی جدلی فرقه‌ای بودند، به ضرورت وجود کتاب آسمانی پی بردند و برای رفع نیازهای معنوی جامعه خود و دور کردن موحدان از فرقه‌گرایی و تفرقه، قرآن را گردآوری کردند (Hawting, The idea of idolatry and the emergence of Islam: from polemic to history, 1999: 7).

از سوی دیگر، با این بیان که در حجاز یکتاپرستی وجود نداشته است، نتیجه می‌گیرد که قرآن نمی‌تواند در عربستان به وجود آمده باشد؛ بلکه در محیط یکتاپرستانه‌ی خارج از عربستان شکل گرفته است (Ibid: 47). از نظر وی، مسلمانان اطلاعات مربوط به حضرت ابراهیم علیه السلام را بعد از فتوحات از مسیحیان و یهودیان خارج از عربستان گرفته و به آن حال و هوای عربی و اسلامی داده بودند، و قرآن نیز محصول همین دوران و همین شرایط است و نشان‌دهنده شرایط مکه و مدینه نیست (Ibid: 36).



روش نقد ادبی یا سبک‌شناختی، یکی از زیرشاخه‌های نقد تاریخی و نیز یکی از روش‌های مورد استفاده در نقد کتاب مقدس به‌شمار می‌آید که هاوتینگ درباره متون اسلامی، از جمله قرآن از آن بهره برده است.

بررسی

الف. اعتبار استنتاج‌های تاریخی نقد ادبی، یکی از چالش‌های حل‌نشده این روش است. به همین دلیل، ونزبرو مدعی است در پی «بازسازی تاریخ» نیست و تحلیل‌های خود را سبک‌شناختی نامیده است و تأکید می‌ورزد که این تحلیل‌ها، استنتاجات دقیق تاریخی در پی ندارد (Wansbrough, Quranic studies: sources and methods of scriptural interpretation, 1977: xxi).

هاوتینگ نیز متون اسلامی، اعم از روایات و حتی قرآن را منابع قابل اطمینانی برای بازسازی وضعیت دوران پیامبر ﷺ نمی‌داند (Hawting, The idea of idolatry and the emergence of Islam: from polemic to history, 1999: 4, 18 and 61). با وجود این همه تأکید، او بارها استنتاج تاریخی کرده و مدعی می‌شود که منطقه‌ای که پیشرفت‌های کلیدی اسلام در آن اتفاق افتاده، عربستان نیست، بلکه منطقه‌ی وسیع‌تر خاورمیانه، به‌ویژه سوریه و عراق است (Ibid: 13)، و یا «فلان اتفاق» رخ نداده یا به نحوی غیر از آنچه که مسلمانان یا سایر پژوهش‌گران باور دارند، رخ داده است (نیلساز، «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن»، ۱۳۸۷: ۱۶۷-۱۵۸). مستشرقانی چون ویلیام گراهام، روش نقد ادبی و استنتاج‌های تاریخی حاصل از این روش را مورد نقادی قرار داده‌اند (رشیدیان، فرهنگ پسمادرن، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۵؛ پویازاده، «نقد و بررسی دیدگاه جرالد هاوتینگ در کتاب بت‌پرستی و ظهور اسلام»، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۶). وی دیدگاه‌های ونزبرو و به تبع آن هاوتینگ را به دلیل این‌که صرفاً بر تحلیل ادبی پایه‌ریزی شده، غیرقابل پذیرش می‌داند (گراهام، «ملاحظات بر کتاب "مطالعات قرآنی"»، ۱۳۷۹: ۲۳۳-۲۳۴).

ب. اکثر منتقدان در روش نقد تاریخی، به بافت تاریخی متن توجه دارند، در حالی که افرادی مانند هاوتینگ، به بافت ادبی متن توجه دارد. داور این موضوع را مورد توجه قرار داده و نقص روشی این جریان را چنین مطرح کرده است:

«از آغاز پژوهش‌های قرآنی در مغرب زمین، مطالب «عهدینی» قرآن، توجه بسیاری از پژوهش‌گران را جلب کرده و این امید همچنان جدی است که بررسی دقیق آیه‌های قرآنی مرتبط با عهدین بتواند یاریگر ما دست‌کم در ترسیم بافت ادبی قرآن؛ یعنی وابستگی و رابطه آن با دیگر متون سنت یهودی - مسیحی باشد. تلاش‌ها برای مشخص کردن این‌که کدام یک از مطالب ادبی اولیه

(عهدینی) ممکن است، نزدیک‌ترین رابطه را با قرآن داشته باشد، تاکنون بی‌نتیجه بوده است. در هر صورت، حتی اگر قادر بودیم که بافت ادبی قرآن را به روشنی مشخص کنیم، چنین امری لزوماً به ما نمی‌گفت که بافت تاریخی آن چه بوده است» (Donner, Narratives of Islamic Origins: The Beginnings of Islamic Historical Writing, 1998: 26).

طرف‌داران روش نقد ادبی، به دلیل غیرتاریخی بودن منابع و مدارک اسلامی، آن‌ها را رد می‌کنند و از ما می‌خواهند ادعای بدون دلیل آنان را تعجباً بپذیریم!

ج. از دیگر نقدهای وارد بر روش نقد ادبی، مربوط به پس‌زمینه‌های فکری غالب افراد آن است که از اندیشه پست‌مدرنیسم تأثیر گرفته است (جمعی از نویسندگان، زبان قرآن، تفسیر قرآن، ۱۳۹۱: ۲۴۷-۲۴۸؛ خضری، «واکاوی نقش رویکرد شکاکانه پاتریشیا کرون در شکل‌گیری دیدگاه‌های وی در کتاب "تجارت مکه و ظهور اسلام"»، ۱۳۹۵: ۴۳-۶۰). مهم‌ترین نقد بر پست‌مدرنیسم، نسبیت‌گرایی آن است که کمترین نتیجه آن، پوچ‌گرایی در اخلاقیات و معرفت‌شناسی به‌شمار می‌آید (Gellner, Postmodernism, Reason and Religion, 1992: 22-39).

د. از دیگر اشکالات استناد به تحلیل ادبی صرف، این است که نتایج آن با توجه به پیش‌فرض‌های محقق می‌تواند متفاوت باشند و به گونه‌های مختلف و متفاوتی، تعبیر و تفسیر شوند. هاوتینگ در تألیفات قرآنی خود، پیش‌فرض‌های خود را دخیل کرده و در نتیجه به نتایج متمایزی نسبت به پژوهش - گران مسلمان دست یافته است.

هـ. تاریخ نجات، از لوازم اصلی به‌کارگیری روش تحلیل ادبی است. تطبیق نظریه تاریخ نجات بر متون کهن اسلامی، بدون هیچ مبنای علمی و صرف این‌که قرآن کریم همانند تورات و انجیل، کتاب مقدس مسلمانان است، مطلبی نادرست محسوب می‌شود. شواهد غیرقابل انکار و فراوانی وجود دارد که منابع و متون کهن اسلامی دارای سابقه و ریشه است و بنابر گفته ونزبرو و هاوتینگ، در قرن سوم هجری آن هم در جهت توجیه و مبناسازی اسلام، به اصطلاح تاریخ نجات ساخته نشده است:

پیامبر اکرم ﷺ در دوران حیات خود، همواره اصحاب را به حفظ و ضبط احادیث و گفته‌های خود تشویق می‌کرد (کلینی، الکافی، ۱۳۶۳: ۴۰۳/۱؛ دارمی، سنن دارمی، ۱۳۴۹: ۷۵/۱؛ ابن‌ماجه قزوینی، سنن ابن‌ماجه، بی‌تا: ۸۶/۱؛ صدوق، الامالی، ۱۳۷۶: ۱۸۱؛ طبرانی، المعجم‌الاوسط، ۱۴۱۵: ۷۷/۶). علاوه بر حفظ و ضبط، بر کتابت نیز توصیه شده است (ابن حنبل، مسند، بی‌تا: ۲۳۸/۲؛ بخاری، التاريخ الكبير، بی‌تا، ۳۶/۱)؛ به نحوی که این امر در میان صحابه نیز سنت شده و به شاگردان و فرزندان خود این توصیه را می‌کردند (دارمی، سنن دارمی، ۱۳۴۹: ۱۲۶/۱-۱۲۷). روایات فراوانی در



سنن دارمی در این باره نقل شده که کثرت آنها به خوبی رواج کتابت و سنت پیامبر ﷺ را می‌رساند (همان، باب من رخص فی کتابه العلم). در کنار تأکیدهای مکرر پیامبر اکرم ﷺ، نگارش نامه‌های متعدد آن حضرت، نشان‌گر وجود و رواج نگارش و کتابت در آن زمان بوده است (صنعانی، المصنف، بی‌تا: ۳۵۷/۱ و ۲۸۶/۳؛ ابن‌ابی‌شیه، المصنف، ۱۴۰۹: ۱۸/۳؛ ابوداود سجستانی، سنن ابی‌داود، ۱۴۱۰: ۳۵۱/۱؛ نسائی، سنن نسائی، ۱۳۴۸: ۱۷۵/۷؛ بیهقی، السنن الکبری، بی‌تا: ۱۲۹/۴ و ۱۷۹/۹؛ احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ۱۹۹۸: ۱۹۵/۱-۶۱۸ و ۳۱۶/۲-۴۰۰). در همین فضا، افرادی به نگارش سخنان پیامبر ﷺ در زمان حیات آن حضرت مبادرت کردند از جمله: صحیفه سمره بن جندب (م ۶۱) (بخاری، التاريخ الكبير، بی‌تا، ۲۶/۱؛ دارقطنی، سنن الدارقطنی، ۱۴۱۷: ۱۱۱/۲؛ صحیفه صادق بن عبدالله بن عمرو بن عاص (م ۶۵) (ابن‌اثیر، اسد الغابه، بی‌تا: ۲۳۳/۳-۲۳۴؛ دارمی، سنن دارمی، ۱۳۴۹: ۱۲۵/۱)؛ صحیفه سعد بن عبادہ انصاری (ابن‌سعد، الطبقات الکبری، بی‌تا: ۲۲۹/۷)؛ و اثر قتاده بن دعامة سدوسی در ناسخ و منسوخ (م ۱۱۷) (ابن‌شاهین، ناسخ الحدیث و منسوخه، بی‌تا: ۳۹). برخی صحابه و تابعیان برای به دست آوردن حدیث و ضبط آن، دست به سفرهای متعددی می‌زدند (ذهبی، تذکرة الحفاظ، بی‌تا: ۵۵/۱-۵۶). کتابت احادیث تا زمان عمر بن عبدالعزیز (۹۹ق) وجود داشت و بعد از دستور او رواج بیشتری یافت (دارمی، سنن دارمی، ۱۳۴۹: ۱۲۶/۱). بعد از این دوران، نگارش کتاب‌های حدیثی، رواج فراوان یافت و نمونه‌های متعددی تألیف شد. ائمه شیعه ﷺ نیز به یاران و شیعیان خود، توصیه به نگارش می‌کردند و روایات متعددی در این زمینه وجود دارد (کلینی، الکافی، ۱۳۶۳: ۵۲/۱). همین توصیه‌ها، زمینه تألیف اصول و کتاب‌های متعددی در میان شیعیان در دو قرن اول هجری گشت. شیخ طوسی در فهرست خود، فهرست مفصلی از این مؤلفان و اصول و کتاب‌هایشان را آورده است (طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم، ۱۹۴۰: ۱۹۳-۱۹۴). مراجعه مستشرقان به منابع خاص و عدم توجه به تمامی منابع، موجب برداشت‌های یک‌جانبه از موضوعات و وقایع تاریخ اسلام شده است (Motzki, «The collection of the Quan: a reconsideration», 2001: 1-34 of western views in light of recent methodological developments). و. القای عدم درک مفاهیم قرآن از سوی مفسران سنتی، از دیگر اشکالات روش نقد ادبی به‌شمار می‌آید. پیش‌فرض اصلی هاورتینگ، زمینی بودن قرآن و تألیف شده توسط موحدان از صدر اسلام تا قرن سوم هجری است که از عهدین، اثر پذیرفته است و درون‌مایه‌های یکسانی دارد. وی تأثیرگذارترین نظریه در ظهور اسلام را افول بت‌پرستی می‌داند و علت موفقیت اسلام را پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی جامعه عرب برمی‌شمارد (Hawting, «Tradition and custom», 2006: 5/316-318). او بهترین سند برای

تأیید این نظریه را ابتدائاً گزارش‌های مربوط به احترام نگذاشتن واقعی عرب‌ها قبل از اسلام به بت‌هایشان و ثانیاً وجود گرایش‌های یکتاپرستانه می‌داند و بر اساس نظریات تکاملی دینی، آن را تفسیر می‌کند (Hawting, «Pre-Islamic Arabia and the Quran», 2004: 4/253-261; Id., «Idolatry and (Idolaters)», 2002: 2/475-480).

هاوتینگ قرآن را محصول یک جامعه موحد و معتقد می‌داند. به باور وی، جامعه صدر اسلام، نیاز به توضیح اضافی نداشته و دستورات دینی، همان دستورات موحدانه‌ی سابق بود که جامعه‌ی موحد با آن انس داشتند (Hawting, «Worship», 2006: 5/555-557). همچنین وی، تفسیر مفسران را تصورات ذهنی و خلاق‌گونه آنها از گذشتگان می‌داند و مؤید دیدگاه خود را تناقضاتی برمی‌شمارد که مفسران در تفسیر آیات دارند. از نگاه او، این تناقض‌ها و مبهم‌گویی‌ها در کلام مفسران سنتی، به مناسبت‌هایی، مکرراً به وفور برجسته است.

دو. روش نقد متنی

روش نقد متنی یا نسخه‌شناختی (Textual criticism)، از شایع‌ترین تحلیل‌ها در نقد تاریخی در متون مقدس است که به بررسی موضوع انتقال متن کتاب مقدس به زبان اصلی‌اش و نسخه‌های باستانی و نیز ترجمه‌ها و تفاسیر مربوط به آن می‌پردازد (Ibid). در این روش، نسخه‌های موجود یک متن، ترجمه‌ها و یا تفسیرهای مختلف آن شناسایی می‌شود و از مقایسه و بررسی آن‌ها با یک‌دیگر و با کاربرد شیوه‌های جدید، متن اصلی یا معتبرتر شناخته می‌شود. با اینکه اصل نقد تاریخی کتاب مقدس مربوط به قرن‌های گذشته است، نقد متنی یا نسخه‌شناختی، یک مطالعه علمی جدید محسوب می‌شود (سلیمانی، «نقدی کتاب مقدس»، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

روش نقد متنی، یکی از روش‌های مورد استفاده هاوتینگ در مطالعات قرآنی است، اگرچه وی متن اصلی یا معتبری برای قرآن قائل نیست که آن را متن معیار قرار دهد؛ اما او با تکیه بر روش تحلیل متن، در مقالاتی به مواردی از این به اصطلاح تغییرات متنی قرآن، اشاره و تصحیحاتی را پیشنهاد کرده است.

بررسی

الف. به اذعان خاورپژوهان، روش نقد متنی، تاکنون درباره متون دینی، نتیجه عملی اطمینان‌بخشی نداشته است. حتی متون عهد جدید که بسیار بهتر از دیگر متون کهن ثبت و مستند شده‌اند (دارای بیش از ۴۰۰۰ نسخه خطی است) و بیش‌تر از هر متن دیگر متعلق به دوران باستان متأخر، در معرض تحقیقات نقد متنی بوده‌اند، هنوز هم با اطمینان کامل قابل بازسازی و احیا نیستند (Stausberg, The Routledge Handbook of Research Methods in the Study of Religion, 2011: 349).



ب. یکی از شروط اصلی برای اجرای نقد متنی، آشنایی ناقد با زبان اصلی متن مذکور به گونه‌ای است که بتواند از حیث لغت شناسی، تفسیری صحیح و به لحاظ زبان‌شناختی نیز درکی معقول و مفید از متن و محتویات آن داشته باشد. در این‌گونه تحقیقات علمی، نمی‌توان ترجمه‌های آن متن را هر چند مفید و راه‌گشایند، به‌عنوان شاهد و مدرک مورد استناد قرار داد (Ibid: 351).

عدم اطلاع از علم لغت و زبان‌شناسی، از جمله مسائلی است که خاورشناسان نسبت با آن کاستی دارند. ضعف خاورشناسان، از جمله هاوتینگ، در زبان عربی به گونه‌ای است که حتی خود خاورشناسان نیز به این مطلب اذعان داشته و آن را زمینه‌ای در دشوار نمودن فهم قرآن می‌دانند. هاوتینگ در بسیاری از موارد دچار خطای فاحش شده است، مانند تفسیر آیه ۹۵ سوره مائده که وی واژه صید را به حیوان وحشی تعبیر کرده است (Hawting, «Ka'ba», 2003: 3/75-80). او با این پیش‌فرض که در قرآن، اقتباسات زیادی از زبان‌های سریانی، عبری و... صورت گرفته، تلاش دارد با افزودن یا حذف نقطه در بعضی کلمات، ریشه سریانی و... برای آن‌ها بیابد. وی ریشه برخی واژگان قرآن را در جایی غیر از زبان عربی جست‌جو می‌کند و ریشه آن‌ها را به زبان‌های حبشی، عبری، آرامی و یونانی منتسب می‌کند (Hawting, «Pilgrimage», 2004: 4/91-100).

هاوتینگ در تعریف واژه شرک، تعریفی بر خلاف اندیش‌مندان مسلمان برمی‌گزیند و تعریفی مطابق با مبانی خود ارائه می‌کند (Hawting, The idea of idolatry and the emergence of Islam: from polemic to history, 1999: 475-480). درنهایت، «شرک» را به معادل بت‌پرستی به معنای موسع آن تعبیر می‌کند (Ibid: 475-480). این اشتباه از سوی وی در معنای شرک در قرآن، موجب برداشت‌های نادرست او از معنای آیات قرآن و در نتیجه، پایه‌ی یکی از استدلال‌های ناموجه وی درباره شکل‌گیری اسلام شده است.

هاوتینگ در تعریف واژه فرقه نیز به خطا رفته (Hawting, «parties and factions», 2004: 4/24-27)؛ و همین تعریف غلط، سبب شده وی معتقد گردد که دین اسلام در میان موحدان در پی یک منازعه درون دینی به وجود آمده است. او نوعی تلاش برای بازبانی معنایی از واژگان دارد تا معنایی مطابق با دیدگاه‌های خود را بر آن‌ها تحمیل کند. در رابطه با اصطلاح شرک، مفسران سنتی، شرک را در قرآن مربوط به بت‌پرستی اعراب صدر اسلام می‌دانند که با شرایط مکه و مدینه در سال‌های اولیه قرن هفتم میلادی مرتبط است و با گذشت زمانی طولانی از پیدایش قرآن و از میان رفتن بافت و شرایط اصلی زبان، آنچه به‌منظور جدل در قرآن آمده است، به صورت تحت‌اللفظی معنا شده و سپس به‌عنوان یک حقیقت تاریخی به ثبت می‌رسد؛ اما از دیدگاه هاوتینگ، این استدلال درستی نیست؛ زیرا او قرآن را

محصول دوره حضور پیامبر ﷺ نمی‌داند؛ بلکه معتقد است که قرآن در همان قرن سوم هجری تدوین شده و به دلیل اینکه دفاع از وحدانیت و بی‌همتایی خداوند ویژگی خاص اسلام در سراسر تاریخ آن است، بنابراین، مسلمانان، مخالفانی را که به این وحدت لطمه وارد می‌کردند، متهم به شرک کرده تا از فرقه‌فرقه شدن و پراکندگی امت اسلامی پیش‌گیری کنند (Hawting, The idea of idolatry and the emergence of Islam: from polemic to history, 1999: 68). در نمونه‌های مذکور، چنان‌که اشاره شد، هاوتینگ آرای مفسران و عالمان سنتی را مخدوش و نظراتی متفاوت مطرح می‌کند و در نگاشته‌های وی، بیان تعارض‌های بین مفسران، یا سردرگم بودن آن‌ها و یا برداشت‌هایی متفاوت در جهت مستدل‌سازی تنوری جدید دیده می‌شود. او به جای آشکار کردن معنای حقیقی واژگان بر پیچیدگی آن‌ها می‌افزاید.

در بسیاری از موارد، ادعایی از سوی هاوتینگ مطرح شده است مبنی بر وقوع انحراف و خطای متنی در قرآن که از سوی اندیش‌مندان مسلمان بررسی شده و پاسخ داده شده‌اند. از باب نمونه، درباره بت‌پرستی و شرک در قرآن، در پاسخ به هاوتینگ آورده شده که وی درباره واژگان «اوثان»، «اصنام»، «تماثیل»، «جبت» و «طاغوت»، از واژگان عام قرآنی، معتقد است این واژگان، به معنای بت‌پرستی معاصران قرآن به کار نرفته؛ بلکه درباره بت‌پرستی امت‌های پیشین به کار رفته‌اند. این دیدگاه، قابل نقد است:

قرآن به‌صورت نادر از واژگان عام صریح و ملموس، برای بیان بت‌پرستی معاصران قرآن استفاده کرده، ولی به وفور از واژگان عام انتزاعی مانند همة مشتقات «شرک»، بدین منظور بهره‌جسته است که باتوجه به قرائن داخلی و خارجی آیات، هیچ شبهه‌ای در دلالت آن‌ها بر بت‌پرستی وجود ندارد. هاوتینگ در زمینه واژگان خاص بت‌پرستی مثل «لات»، «عزی» و «منات»، نیز معتقد است این واژگان، بر بت‌ها دلالت ندارند و آنها صرفاً اسم ملائکه‌اند. این دیدگاه وی نیز قابل مناقشه است: اسم بودن این واژگان خاص برای ملائکه، منافاتی با بت‌پرستی و شرک اعتقادی معاصران قرآن ندارد. بر اساس آیات قرآن، مشرکان از یک سو، اعتقاد به مؤنث‌بودن ملائکه داشتند و آن‌ها را به‌عنوان فرزندان خدا می‌نامیدند که این مطلب بیان‌گر شرک اعتقادی آنان است و از سوی دیگر، برای آن‌ها تمثال‌هایی ساخته بودند تا عبادت‌شان کنند و این مطلب از بت‌پرستی آن‌ها حکایت دارد. هاوتینگ درباره آیات شرک نیز معتقد است این قبیل آیات، نه بر بت‌پرستی دلالت دارند و نه بر شرک اعتقادی؛ زیرا شرک، مفهومی انتزاعی است که علاوه بر بت‌ها، بر شرک اعتقادی و نیز شرک عملی که در آن از شفاعت شفیعان بهره‌گرفته می‌شود،



قابل اطلاق است و بیش‌تر آیات قرآن در این زمینه، شرک عملی‌اند، نه شرک ربوبی. بیش‌ترین کاربرد واژگان مشتق از «شرک» درباره مشرکان معاصر قرآن، برخلاف نظر هاوتینگ، درباره شرک اعتقادی، اعم از ثنویت، بت‌پرستی، تثلیث و پرستش مخلوقات به‌عنوان فرزندان خداست. این مطلب که بر اساس آیات قرآن، مشرکان قائل به شفاعت آلهه خود بودند، چیزی جز بهانه‌تراشی برای شرک اعتقادی و بت‌پرستی آن‌ها نبوده است. بنابراین، این قبیل آیات، دلالتی بر شرک عملی ندارند (رضایی هفتادر، «نقد آراء جرالد هاوتینگ درباره بت‌پرستی و شرک در قرآن»، ۱۳۹۹: ۱۵۷-۱۸۳).

هاوتینگ در نگاشته‌هایش، گام‌های اساسی مقدماتی را در مطالعات قرآنی رعایت نکرده و به گمان خود توانسته جریان تحلیل ادبی و تحلیل متنی با رویکرد بررسی روابط بینامتنی را تئوریزه کند و سایر روش‌ها را با این عنوان که برخاسته از خود متن و دیکته‌شده متن مورد بررسی است، به کناری بگذارد.

سه. روش نقد منبع

روش نقد منبع (Source Criticism) به دنبال مشخص کردن پیشینه تاریخی و منابع احتمالی متن یا اثر و بررسی آن‌هاست (Fitzmyer, «Historical Criticism: It's Role in Biblical Interpretation and Church Life», 1989: 5/250). در این روش، پیش‌فرض هاوتینگ بر خلاف ونزبرو که قرآن را نسخه‌ای برگرفته از کتاب عهدین می‌داند، قرآن را یک کتاب مستقل از عهدین برمی‌شمارد که محصول بشری است. هاوتینگ درباره قرآن بر آن است که اطلاعاتی را که از قرن دوم و سوم هجری به دست آمده، مورد پالایش قرار دهد تا اصالت قرآن به‌عنوان رکن اصلی دین اسلام مورد تأیید قرار گیرد و در این راستا قرآن را از لحاظ منبعیت به بوته داوری و ارزش‌گذاری گذاشته است. استفاده از این روش دو نتیجه را به همراه داشته است.

الف. دو قرن تأخیر در شکل‌گیری قرآن: هاوتینگ تدوین قرآن را اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری می‌داند و معتقد است، کتاب آسمانی اسلام مانند متون مقدس یهودی و مسیحی، محصول نهایی روند طولانی تاریخی است و تنها پس از بیان و تدوین فقه در قالب احکام الهی، متن رسمی کتاب آسمانی تثبیت نهایی یافت (پارسا، «خاورشناسان و رویکردهای نوین در جمع قرآن»، ۱۳۸۳: ۶۰). او متون اسلامی، اعم از روایات و حتی قرآن را منابع قابل اطمینانی برای بازسازی وضعیت دوران پیامبر ﷺ نمی‌داند (Hawting, The idea of idolatry and the emergence of Islam: from polemic to history, 1999: 4, 18 and 61). هاوتینگ قدیمی‌ترین متونی که در اختیار ما هستند را در شکل شفاهی و کتبی، نتیجه نهایی چندین بار صورت‌بندی، نقل و بازنگری توسط نسل‌های مختلف می‌داند (Ibid).

ب. موحدان قرن سوم هجری به عنوان مؤلفان قرآن: در این روش، هاوتینگ قرآن و روایات را ساخته مسلمانان قرن سوم هجری می‌داند (Ibid: 7-8) و درک مفسران از آیات قرآن را در تفاسیر، مورد مناقشه قرار می‌دهد و برداشت آن‌ها را از آیات قرآن، تنها یک برداشت خیالی و بدون پشتوانه حقیقی می‌داند (Ibid: 47). وی متون روایی را ساخته و پرداخته اوهم مسلمانان قرون بعدی (قرن‌های دوم و سوم هجری) می‌داند و در سندیت و منبعیت آنها تردید دارد، به‌ویژه آن‌هایی را که به جاهلیت مربوطند، منابع دست اول نمی‌داند (Ibid: p.9). او هرگونه بازسازی تاریخی در باب حوادث صدر اسلام را کنار می‌گذارد و روایات اسلامی مربوط به شرک و بت‌پرستی عرب‌ها را مورد تأیید یافته‌های باستان‌شناسی و کتیبه‌ها نمی‌داند و احتیاج به تجدیدنظر می‌داند (Ibid., p.45). رویکرد دست نیافتن به ذات و یا معنای اصلی آیات قرآن در تألیفات وی به خوبی نمایان‌گر است. هاوتینگ پس از بررسی ابعاد مختلف معنا و تفسیر آیه، نتیجه می‌گیرد که معنایی که مسلمانان ادعای آن را دارند واقعاً آن چیزی نیست که قرآن مدنظر داشته است و مفسران سعی در توجیه آیات دارند (Hawting, «Pilgrimage», 2004: 4/91-100). نوع نگاه وی در تفسیر آیات، به مبانی او باز می‌گردد. هاوتینگ، مباحث پیچیده مفسران را نتیجه تلاش‌های آنان در تفسیر آیه در پرتو رویه فعلی، فقه و سایر مطالبی که با عمل دینی مرتبط شده‌اند، می‌داند؛ در حالی که اندیش‌مندان مسلمان می‌کوشند مطالب قرآنی را با توجه به تصویرشان از آیین‌های مذهبی، تفسیر کنند (Ibid).

بررسی

الف. نتایجی که از روش نقد منبع منتج شده، مخالفانی دارد که نقدهای بسیاری بر آن وارد کرده‌اند (نویورت، «قرآن‌پژوهی در غرب»، ۱۳۸۶: ۱۵-۳۴). مخالفان جریان شکاکیت، روش‌های شکاکانه افرادی چون ونزبرو و هاوتینگ را نقد کرده و در نقدهایشان به کتیبه‌ها، مصاحف، پاپیروس‌ها و سکه‌های نویافته و تحلیل اسناد - متن، استناد نموده‌اند. شولر معتقد است که مدارک خارجی به قدری است که دست‌کم برخی جزئیات سنت تاریخی اسلامی را ثابت می‌کند (Schoeler, The Biography of Mohammad: Nature and Authenticity, 2011: 13-15)؛ و افرادی چون محمد مصطفی اعظمی، از اعتبار تاریخی قرآن دفاع کرده‌اند (Al-Azami, The History of the Qur'anic Text, 2011: 68-69).

ب. اخیراً شواهد باستان‌شناختی، کتیبه‌های قبه الصخره (Dribholz, Early Quran Fragments from The Great Mosque in Sanaa, 2003: 19, 25) و کتیبه‌های مسجد النبی (ابن‌رسته، الاعلاق النفیسه، ۱۴۰۸: ۷۲)، نظریه هاوتینگ را با چالش روبرو کرده‌اند. پاپیروس‌ها و سکه‌های قرون نخست، بیان‌گر شکل‌گیری قرآن در قرن اول هجری هستند. هم‌چنین می‌توان با برخی روش‌ها مانند روش آزمایش



کربن چهارده و دیگر روش‌ها، تاریخ صدور متن را ردیابی کرد و از این طریق، نسخه‌های کهن قرآن را بازسازی کرد. روش تاریخ‌گذاری می‌تواند کهن بودن مخطوط را تأیید یا رد کند که هم در تشخیص مخطوطات جعلی و ساختگی و هم در اثبات متعلق بودن مخطوطات کهن به قرن‌های نخستین اسلامی، بسیار حائز اهمیت است. هم‌چنین با وجود رقابت‌ها و اختلافات در جامعه اسلامی متقدم، همه فرقه‌های اسلامی درباره ویژگی‌های اصلی تاریخ اسلام توافق دارند و تبنانی و توطئه‌ای چنین گسترده و بالاتر از آن، این قدر موفق، در بین مفسران و مسلمانان بسیار بعید است (Donner, Narratives of Islamic Origins: The Beginnings of Islamic Historical Writing, 1998: 26-27, 282). حقایق برگرفته از جزئیات بسیار پراکنده و مطالب جانبی گزارش‌ها، آن قدر جزئی و بی‌اهمیت بوده‌اند که نمی‌توان بخشی از یک جعل آگاهانه قرار داد (ولان، «شاهدان از یاد رفته؛ مدارکی دال بر تدوین زودهنگام قرآن»، ۱۳۸۰: ۲۳). بنابراین، روایات اسلامی بسیار قدیمی‌تر هستند و به رویدادهای واقعیت نزدیک‌ترند (Motzki, «The collection of the Quran: a reconsideration of western views in light of recent methodological developments», 2001: 31).

نتیجه‌گیری

جرالد هاوتینگ در مطالعات قرآنی خود، از روش نقد ادبی یا سبک‌شناختی، روش نقد متن و نقد منبع استفاده کرده است. این سه روش، از زیرشاخه‌های روش نقد تاریخی محسوب شده که به‌کارگیری آنها در مطالعات قرآنی، چالش‌هایی را ایجاد می‌کنند. عدم اعتبار استنتاج‌های تاریخی از روش نقد ادبی، تأثیرپذیری از اندیشه پست‌مدرنیسم - که نهایتاً به پوچ‌گرایی منتهی می‌شود -، قابلیت تعبیر و تفسیر با تغییر پیش‌فرض و القای عدم درک مفاهیم قرآن از سوی مفسران سنتی، از نقدهای وارد بر روش نقد ادبی است. روش نقد متنی هم به اذعان خاورپژوهان، تاکنون درباره متون دینی، نتیجه عملی اطمینان‌بخشی نداشته و هاوتینگ در استفاده از این روش، دچار خطای بسیاری شده که باعث گردیده در استنتاج‌هایش به خطا برود. مهم‌ترین نقد وارد به روش نقد منبع، نتیجه آن مبنی بر دو قرن تأخیر در شکل‌گیری قرآن و موحدان صدر اسلام را مؤلف قرآن خواندن است که با مستندات قطعی تاریخی و شواهد باستان‌شناختی و هم‌چنین با روش‌های بسیار جدید و پیشرفته‌ای مانند آزمایش کربن چهارده در تعارض است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن ابی شیبہ، عبدالله، المصنف، تحقیق: سعید اللحام، دارالفکر، بیروت: ۱۴۰۹ق.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه، انتشارات اسماعیلیان، تهران: بی تا.
۴. ابن حنبل، احمد، مسند، دارصادر، بیروت: بی تا.
۵. ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ق.
۶. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دارصادر، بیروت: بی تا.
۷. ابن شاهین، عمر بن احمد، ناسخ الحدیث و منسوخه، تحقیق: کریمه بنت علی، بی نا، بی جا: بی تا.
۸. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۹. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۰ق.
۱۰. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، دارالحدیث، قم: ۱۹۹۸م.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاریخ الکبیر، دارالکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۱۲. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۱۳. پارسا، فروغ، «خاورشناسان و رویکردهای نوین در جمع قرآن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره یک، بهار ۱۳۸۳ش.
۱۴. پویازاده، اعظم؛ پیروان، مریم، «نقد و بررسی دیدگاه جerald هاوتینگ در کتاب بت پرستی و ظهور اسلام»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۳ش، ص ۳۳-۶۰.
۱۵. جلیلی سنزیقی، هدایت، پژوهش در تفسیر پژوهی قرآن، سخن، تهران: ۱۳۹۱ش.
۱۶. جمعی از نویسندگان، زبان قرآن، تفسیر قرآن، ترجمه: مرتضی کریمی نیا، هرمس، تهران: ۱۳۹۱ش.
۱۷. خضری، احمد رضا؛ بایرام، مانده، «واکاوی نقش رویکرد شکاکانه پاتریشیا کرون در شکل گیری دیدگاه های وی در کتاب "تجارت مکه و ظهور اسلام"»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ش.



۱۸. دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدارقطنی، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۷ق.
۱۹. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن دارمی، مطبعة الاعتدال، دمشق: ۱۳۴۹ق.
۲۰. ذهبی، شمس الدین، تذکرة الحفاظ، مكتبة الحرم المکی، بی جا: بی تا.
۲۱. رشیدیان، عبدالکریم، فرهنگ پسامدرن، نی، تهران: ۱۳۹۳ش.
۲۲. رضایی هفتادر، حسن؛ نصیریان، صفر، «نقد آراء جلال هاو تینگ درباره بت پرستی و شرک در قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۹.
۲۳. سعید، عبدالله، درآمدی به قرآن، ترجمه: سعید شفیعی، حکمت، تهران: ۱۳۹۷ش.
۲۴. سلیمانی، عبدالرحیم، «نقادی کتاب مقدس»، هفت آسمان، شماره هشتم، زمستان ۱۳۷۹ش.
۲۵. صدوق، محمد بن علی، الامالی، کتابچی، تهران: ۱۳۷۶ش.
۲۶. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بی نا، بی جا: بی تا.
۲۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین للطباعة والنشر والتوزیع، قاهره: ۱۴۱۵ق.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعة و أصولهم، تحقیق: عبدالعزيز طباطبائی، مکتبه-المحقق الطباطبائی، قم: ۱۴۲۰ق.
۲۹. علوی، سید حسین؛ اسکندرلو، محمدجواد، «حج از نگاه مستشرقان»، میقات حج، شماره ۱۰۱، پاییز ۱۳۹۶.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۳ش.
۳۱. گراهام، ویلیام، «ملاحظات بر کتاب "مطالعات قرآنی"»، ترجمه: مرتضی کریمی نیا، آینه پژوهش، شماره ۶۵، ۱۳۷۹ش.
۳۲. نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، دارالفکر، بیروت: ۱۳۴۸ق.
۳۳. نوپورت، آنلیکا، «قرآن پژوهی در غرب»، هفت آسمان، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۶ش.
۳۴. نیلساز، نصرت، «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن»، مقالات و بررسی ها، شماره ۹۸، تابستان ۱۳۸۷ش.
۳۵. ولان، استل، «شاهدان از یاد رفته؛ مدارکی دال بر تدوین زود هنگام قرآن»، بولتن مرجع ششم، گزیده مقالات و متون درباره مطالعات قرآنی در غرب، به کوشش مرتضی کریمی نیا، انتشارات بین المللی الهدی، تهران: ۱۳۸۰ش.

36. Al-Azami, Muhammad Mustafa, The History of the Qur'anic Text, UK Islamic Academy, Leicester: 2011.
37. Collins, John J., The Bible after Babel, Wm. B. Eerdmans Publishing Co., Michigan: 2005.
38. Donner, Fred, Narratives of Islamic Origins: The Beginnings of Islamic Historical Writing, The Darwin Press, Princeton: 1998
39. Dreibholz, Ursula, Early Quran Fragments from The Great Mosque in Sanaa, Sanaa: 2003.
40. Fitzmyer, Joseph A., «Historical Criticism: It's Role in Biblical Interpretation and Church Life», Theological Studies, Issue 2, 1989, Vol.50, pp.244-259.
41. Gellner, Ernest, Postmodernism, Reason and Religion, Routledge, London: 1992.
42. Hawting, Gald R., The idea of idolatry and the emergence of Islam: from polemic to history, Cambridge University Press, Cambridge: 1999.
43. Hawting, Gald R., «Idolatry and Idolaters», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2002, vol.2, pp.475-480.
44. Hawting, Gald R., «Ka'ba», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2003, vol.3, pp.75-80.
45. Hawting, Gald R., «parties and factions», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2004, vol.4, pp.24-27.
46. Hawting, Gald R., «Pilgrimage», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2004, vol.4, pp.91-100.
47. Hawting, Gald R., «Pre-Islamic Arabia and the Quran», in Encyclopaedia of the Qur'ān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2004, vol.4, pp.253-261.
48. Hawting, Gald R., «Tradition and custom», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2006, vol.5, pp.316-318.
49. Hawting, Gald R., «Worship», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2006, vol.5, pp.555-557.
50. Motzki, Harald, «The collection of the Quran: a reconsideration of western views in light of recent methodological developments», Der Islam, no. 78, 2001, pp.1-34.
51. Schoeler, Gregor. The Biography of Mohammad: Nature and Authenticity, translated by Uwe Vagelpohl, Edited by James E. Montgomery, Routledge., 2011.
52. Stausberg, Michael & Steven Engler, The Routledge Handbook of Research Methods in the Study of Religion, Routledge, New York: 2011.
53. Wansbrough, John, Quranic studies: sources and methods of scriptural interpretation, Oxford University press, Oxford: 1977.

Resources:

1. *The Holy Quran*, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa Publishing House, Qom: 2nd Edition, 2009.
2. A Group of Writers, *The Language of the Quran, Interpretation of the Quran*, Translated by Murtaza Kariminia, Hermes, Tehran: 2012.
3. Abu Dawud Sajistani, Suleiman bin Ash'ath, *Sunan Abi Dawud*, Dar al-Fikr, Beirut: 1410 AH.
4. Ahmadi Mianaji, Ali, *Makatib-ul-Rasoul (Letters of Holy Prophet)*, Dar al-Hadith, Qom: 1998.
5. Alavi, Seyyed Hossein; Eskanderlo, Muhammad Javad, "Hajj from the Orientalists' Viewpoint", *Miqat Hajj*, No. 101, Fall 2017.
6. Al-Azami, Muhammad Mustafa, *The History of the Quranic Text*, UK Islamic Academy, Leicester: 2011.
7. Bayhaqi, Ahmad bin Hossein, *Al-Sunan al-Kubri*, Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
8. Bukhari, Muhammad bin Ismail, *al-Tarikh al-Kabir*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: n.d.
9. Collins, John J., *The Bible after Babel*, Wm. B. Eerdmans Publishing Co., Michigan: 2005.
10. Darimi, Abdullah bin Abd al-Rahman, *Sunan Darimi*, Matabah al-I'tdal, Damascus: 1349 AH.
11. Darqutni, Ali bin Omar, *Sunan al-Darqutni*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1417 AH.
12. Dhahabi, Shams-al-Din, *Tazkirah al-Huffaz*, Maktabah al-Haram al-Makki, N.p.: n.d.
13. Donner, Fred, *Narratives of Islamic Origins: The Beginnings of Islamic Historical Writing*, The Darwin Press, Princeton: 1998
14. Dreibholz, Ursula, *Early Quran Fragments from The Great Mosque in Sanaa*, Sanaa: 2003.

15. Fitzmyer, Joseph A., «*Historical Criticism: Its Role in Biblical Interpretation and Church Life*», Theological Studies, Issue 2, 1989, Vol.50, pp.244-259.
16. Gellner, Ernest, *Postmodernism, Reason and Religion*, Routledge, London: 1992.
17. Graham, William, «*Remarks on the Book "Quranic Studies"*», Translated by Murtaza Kariminia, Ayeneh Pazohish, No. 65, 2000.
18. Hawting, Gerald R., «*Idolatry and Idolaters*», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2002, vol.2, pp.475-480.
19. Hawting, Gerald R., «*Ka'ba*», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2003, vol.3, pp.75-80.
20. Hawting, Gerald R., «*parties and Factions*», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2004, vol.4, pp.24-27.
21. Hawting, Gerald R., «*Pilgrimage*», in Encyclopaedia of the Qurān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2004, vol.4, pp.91-100.
22. Hawting, Gerald R., «*Pre-Islamic Arabia and the Quran*», in Encyclopaedia of the Qur'ān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2004, vol.4, pp.253-261.
23. Hawting, Gerald R., «*Tradition and Custom*», in Encyclopaedia of the Qurān, Edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2006, vol.5, pp.316-318.
24. Hawting, Gerald R., «*Worship*», in Encyclopaedia of the Qurān, Edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill, 2006, vol.5, pp.555-557.
25. Hawting, Gerald R., *The Idea of Idolatry and the Emergence of Islam: from Polemic to History*, Cambridge University Press, Cambridge: 1999.
26. Ibn Abi-Shaybah, Abdullah, *al-Musannaf*, Research: Sa'eed al-Laham, Dar al-Fikr, Beirut: 1409 AH.
27. Ibn Athir, Ali Ibn Muhammad, *Osd al-Ghabah*, Ismailian Publications, Tehran: n.d.
28. Ibn Majah Qazvini, Muhammad bin Yazid, *Sunan Ibn Majah*, Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
29. Ibn-Hanbal, Ahmad, *Al-Musnad*, Dar-Sader, Beirut: Beita.

30. Ibn-Rasteh, Ahmad Ibn Omar, *Al-Alaq Al-Nafisah*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1408 AH.
31. Ibn-Sa'ad, Muhammad, *Tabaqat al-Kubri*, Dar Sader, Beirut: n.d.
32. Ibn-Shahin, Omar bin Ahmad, *Naskh-al-Hadith wa Mansukhuhu*, Research: Karima bint Ali, n.p, N.p: n.d.
33. Jalili Sanziqi, Hidayat, *Research in the Interpretation of the Study of the Quran*, Sokhan, Tehran: 2012.
34. Khazari, Ahmad Reza; Bayram, Maideh, "Analysis of the Role of Patricia Crone's Skeptical Approach in the Formation of Her Views in the Book "Mecca Trade and the Emergence of Islam", Islamic History in the Mirror of Research, No. 41, Fall and Winter 2016.
35. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1984.
36. Motzki, Harald, «The Collection of the Quran: A Reconsideration of Western Views in light of Recent Methodological Developments», Der Islam, no. 78, 2001, pp.1-34.
37. Neuwirt, Angelika, "Quran Studies in the West", Haft Asman, No. 34, Summer 2017.
38. Nilsaz, Nusrat, "Examination and Criticism of Wensbrough's Viewpoint about the Final Confirmation of the Text of the Quran", Articles and Reviews, No. 98, Summer 2018.
39. Nisa'i, Ahmad bin Sho'aib, *Sunan Nasa'i*, Dar al-Fikr, Beirut: 1348 AH.
40. Parsa, Forough, "Orientalists and Modern Approaches to the Quran", Research on the Sciences of the Quran and Hadith, No. 01, Spring 2014.
41. Poviazadeh, Azam; Pirvan, Maryam, "Criticism and Review of Gerald Hawting's Point of View in the Book Idolatry and the Rise of Islam", Quran and Hadith Science Research, No. 23, Autumn 2013, pp 33-60.
42. Rashidian, Abdul Karim, *Postmodern Dictionary*, Nay, Tehran: 2014.
43. Rezaeiheftader, Hassan; Naseerian, Safar, "Criticism of Gerald Howting's Views on Idolatry and Polytheism in the Quran", Research Journal of Quranic Studies, No. 42, Fall 2020.

44. Sa'eed, Abdullah, *An Introduction to the Quran*, Translated by Saeed Shafiei, Hekmat, Tehran: 2017.
45. Sadouq, Muhammad bin Ali, *Al-Amali (Dictations)*, Kitabchi, Tehran: 1997.
46. Sana'ani, Abdul Razzaq, *Al-Musannaf*, Research: Habib al-Rahman al-A'zami, n.p., N.p.: n.d.
47. Schoeler, Gregor. *The Biography of Muhammad: Nature and Authenticity*, Translated by Uwe VagelPohl, Edited by James E. Montgomery, Routledge, 2011.
48. Soleimani, Abdul Rahim, "Critic of the Bible", Haft Asman, No. 08, Winter 2000.
49. Stausberg, Michael & Steven Engler, *The Routledge Handbook of Research Methods in the Study of Religion*, Routledge, New York: 2011.
50. Tabarani, Suleiman bin Ahmad, *Al-Mu'jam al-Awsat (Dictionary: Medium Size)*, Dar Al-Haramayn for Printing and Publishing and Distribution, Cairo: 1415 AH.
51. Tusi, Muhammad bin Hassan, *List of Books of Shia and Their Principles*, Research: Abd al-Aziz Tabatabai, Al-Muhaqqiq Tabatabai Library, Qom: 1420 AH.
52. Wansbrough, John, *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, Oxford University Press, Oxford: 1977.
53. Whelan, Estelle, "Forgotten Witnesses; Evidence Indicating the Early Compilation of the Quran", Sixth Reference Bulletin, A Selection of Articles and Texts about Quranic Studies in the West, by Murtaza Kariminia, Al-Hoda International Publications, Tehran: 1380.